



تأملاتی در باب کتاب رباعیات خیام

ترجمه منظوم سعید سعید پور

چاپ کمیسیون ملی یونسکو در ایران

بنفشه حجازی

اگر ترجمه و اقتباس ادوارد فیتز جرالده از رباعیات خیام یا منسوب به خیام نبود بجز عده ای که او را از راه ریاضیات و ترجمه جبر و مقابله اش که توسط ویکه به زبان فرانسه در سال ۱۸۵۱ انجام گرفته، شناختند، نه تنها در خارج از مرزهای ایران که در داخل نیز به این اشتهار حیرت انگیز نمی رسید.

پس از کشف ترجمه فیتز جرالده توسط رستی (Rossetti) و سوينبورن (Swinburne) و تمرکز جرج مردیت بر روی آن بود که ارزش واقعی اشعار خیام کشف گردید. چاپ اول ترجمه فیتز جرالده در ۱۸۵۹ انتشار یافت و چاپ های متعدد آن موجب اشتهار او در انگلستان گردید.

در لیست معرفان خیام نام های گارسن دوتاسی و ترجمه چندرباعی از او (۱۸۵۷)؛ نیکولا، کنسول فرانسه در رشت (۱۸۶۷)؛ وینفیلد (۱۸۸۳)؛ هرون آلن (۹۹-۱۸۹۸)؛ راس (۱۸۹۸)؛ کریستن سن (۱۹۰۵)؛ و ادوارد براون و مقاله مستندش در تاریخ ادبیات ایران به سال ۱۹۰۶ به چشم می خورد. مقالات متعددی نیز از خیام پژوهان دیگری چون ژرژ سالمون، ژوکوفسکی، گرلو، کلود آنه و فزینی، پییر ساله، آرتور گی، رزن، مینورسکی، رمپیس و محفوظ الحق موجب گسترش و تعمیق افکار خیام گردیده است. و حتماً خیام شناسان متأخر در کنگره بین المللی بزرگداشت او که به مناسبت نهمصدمین سالگرد درگذشتش در نیشابور - اردیبهشت ۱۳۷۹ - و سپس در پاریس برگزار گردید مقالاتی قابل توجه راجع به او ارائه کرده اند.

رباعیات خیام اگر چه به دفعات در ایران و هند به زبان فارسی به چاپ رسیده است ولی ترجمه آن به زبانهای اروپایی از جمله لاتین، فرانسه، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی، سوئدی، دانمارکی و زبانهای چون روسی، اردو، عربی، ترکی و ارمنی و ... موجب شده است که رباعیات را جزو گنجینه جهان بشناسند و جهانیان راجع به او کنجکاو و حساس باشند.

حال، پس از حدود ۱۴۳ سال بعد از اولین ترجمه فیتز جرالده، جهان می رود که از طریق کتاب "رباعیات خیام" ترجمه آقای سعید سعید پور از انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران با نوع دیگری از معرفی این چهره جهانی رو به رو شود، کتابی که با انتخاب تعدادی از رباعیات مبتنی بر "فرصت شمردن زندگی" و "غنیمت دانستن دم" - حدود یک سوم اشعار - تا حدود زیادی از یأس فلسفی هدایت برکنار مانده است؛ گلچینی که با توصیه به شادمانی آغاز شده و با وصیت خیام پایان می پذیرد.



اما در راه این خدمت فرهنگی، مترجم محترم به رغم داشتن مشاورانی ورزیده از خطا برکنار نمانده است. بررسی ترجمه ایشان را برای متخصصان ترجمه آثار کلاسیک به زبان انگلیسی می‌گذاریم و بخش فارسی رباعیات را در دو قسمت آماده سازی کتاب و متن بررسی می‌کنیم:

آماده سازی کتاب

این کتاب به رغم کاغذ نفیس و طراحی هنرمندانه فرشید مثقالی کتابی است کم توجه نسبت به معیارهای تهیه کتاب‌هایی که "پاره ای از گنجینه فرهنگ و ادبیات جهان" می‌باشند. به برخی از اشکالات کتاب اشاره می‌شود:

- بدیهی است که کتاب با هدف ارائه ی ترجمه ای به زبان انگلیسی تهیه شده است ولی در واقع تنظیم فارسی دارد و فاقد صفحه ی شناسنامه به زبان انگلیسی است.

- با گنجاندن بیوگرافی مترجم در کتاب و نبود شرح حالی از خیام به نظر می‌رسد که کتاب در خدمت معرفی مترجم است نه معرفی خیام به خوانندگان، بخصوص که بیوگرافی مترجم قبل از پیش گفتار و مقدمه آمده است، بیوگرافی بی که خود فاقد اطلاعات لازم بوده و در ترجمه نیز افتادگی دارد.

وجود شرح حالی هرچند مختصر از خیام برای کسانی که در ایران و خارج از کشور برای اولین بار با نام و شعر این شاعر برخورد می‌کنند و ارائه ی اطلاعاتی راجع به او، اطلاعاتی که خیام شناسان ایرانی به صحت آن اعتماد دارند از واجبات فوت شده است.

به نظر می‌رسد که ناشر خود را با امکانات و توانایی های مترجم هماهنگ کرده است نه این که قصد انتشار نسخه ای را داشته باشد که حاوی کل رباعیات - رباعیات مورد قبول خیام شناسان - باشد. این عمل از این نظر اهمیت دارد که این کتاب نخستین تلاش رسمی ما ایرانیان برای شناساندن یکی از چهره های شاخص ادبیاتمان به جهانیان است. و اگر غرض تهیه گزیده و گلچینی از رباعیات خیام بوده باید که کتاب با این نام خوانده شده و معرفی می‌گردید.

- استفاده از سجاوندی، تپش، درهم تنیدگی و ارجاعات معنایی مصراع‌ها را از بین برده و آن یکپارچگی معنایی که با عدم حضور علامات به ناگهان در ذهن خواننده تجسم می‌یابد، مخدوش شده است و در نتیجه با ناچیز شمردن سهم خواننده، جلو قرائت مختلف گرفته شده است.

- مرتب نبودن اشعار به حروف روی یا الفبایی نبودن برحسب واژه نخستین، یافتن رباعیات مورد نظر را با مشکل روبه‌رو می‌کند که با وجود صفحات زائد در کتاب می‌شد فهرست الفبایی رباعیات را در دو بخش فارسی و انگلیسی آن گنجانید.

متن

انتخاب ۸۴ رباعی این کتاب و نه حدود ۸۰ رباعی که در پیش گفتار آمده از روی نسخه فروغی - غنی به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی انجام گرفته است. و بررسی این ۸۴ رباعی نشان می‌دهد که فقط ۷۶ رباعی از کتاب فروغی آورده شده و ۸ رباعی دیگر به شرح مطلع‌های زیر از ترانه‌های خیام هدایت و ترجمه فیتز جerald صورت پذیرفته است:

۱. از من رمقی به سعی ساقی مانده است (هدایت)

۲. افسوس که بی فایده فرسوده شدیم (هدایت)

۳. چون مرده شوم خاک مرا گم سازید (هدایت)

۴. هنگام سپیده دم خروس سحری (هدایت)

۵. می‌خور که به زیر گل همی خواهی خفت (هدایت - فیتز جerald)



۶. اسرار ازل را نه تو دانی و نه من (هدایت - فیتز جراللد)

۷. از منزل کفر تا به دین یک نفس است (هدایت - فیتز جراللد)

۸. مگذار که غصه در کنارت گیرد (فیتز جراللد)

حاصل مقایسه مصرع به مصرع، بین ۱۷۸ رباعی فروغی با ۹۸ رباعی ترجمه فیتز جراللد طبق محاسبه ادوارد هرون آلن که در تاریخ ادبی ایران- ادوارد براون گزارش شده است، ۴۵۵ و ۱۴۳ ترانه خیم هدایت

دوره سوم، شماره یکم و دوم، زمردین و هشتاد و سه

حاکمی از اشتراک نسخه یونسکو با فروغی، در ۷۶ رباعی و با هدایت ۶۷ رباعی و با فیتز جراللد ۴۷ رباعی است که این امر نشانگر آن است که مترجم به رغم انتخاب نسخه فروغی - غنی در موارد متعدد ضبط هدایت را ارجح دانسته بدون آن که در پیش گفتار خود به آن اشاره کرده باشد. تعدادی از این موارد را ذکر می کنیم، مواردی که دست مترجم را برای ترجمه ای قابل قبول تر باز گذاشته نه این که به افکار و واژگان خیم عنایت داشته باشد. هر چند نگارنده در مواردی انتخاب مترجم را بهتر می داند. ولی بحث بر سر وفاداری به اصول تحقیق است.

(برای رعایت اختصار نسخه یونسکو با "ی" و فروغی - غنی با "ف" مشخص می شوند):

رباعی ص ۲۳: استفاده از "نفس" هدایت به جای "دم" در نسخه فروغی

رباعی ص ۳۱: آن قصر که با چرخ همی زد پهلو بر درگه آن شهان نهادندی رو

"اگر چه بر چرخ و با چرخ و به چرخ پهلو زدن هر سه آمده است ولی هم فروغی هم هدایت و حتی طریخانه "بر چرخ" و "بر درگه او" ضبط کرده اند. و ضبط "با چرخ" توسط آقای سعید پور احتمالاً از روی لغت نامه دهخدا انجام یافته است.

ص ۳۳: ابر آمد و زار بر سر سبزه گریست (ی) ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست (ف)

بی باده گلرنگ نمی شاید زیست بی باده گلرنگ نمی باید زیست

این سبزه که امروز تماشاگه توست این سبزه که امروز تماشاگه ماست

تا سبزه خاک ما تماشاگه کیست تا سبزه خاک ما تماشاگه کیست

ضبط یونسکو طبق نسخه هدایت صورت گرفته است.

رباعی ص ۳۴: از آمدنم نبود گردون را سود وز رفتن من جاه و جلالش نفزود

فروغی "جلال و جاهش" آورده اما هدایت "جاه و جلالش" که مورد استفاده مترجم قرار گرفته است. اگر چه تقدم و تاخر این دو واژه در ترجمه اخلاص نمی کند ولی باز هم یاد آور می شود که غرض نگارنده توجه دادن به اهمیت بخش فارسی این کتاب است.

ص ۴۹: برگیر پیاله و سبو ای دلجوی تا بخیریم گرد باغ و لب جوی

در نسخه فروغی "فارغ بنشین به کشته زار (؟)" آمده است.

رباعی ص ۵۲:

برخیز و بتا بیار برای دل ما (ی) برخیز بتا بیار بهر دل ما (ف)

حل کن به جمال خویشتن مشکل ما حل کن به جمال خویشتن مشکل ما

یک کوزه می بیار تا نوش کنیم یک کوزه شراب تا به هم نوش کنیم

زان پیش که کوزه ها کنند از گل ما
 در مصرع سوم واژه "می" و کل مصرع از کتاب طربخانه گرفته شده است .
 رباعی ص ۵۳ : به غیر از تفاوت در مصرعهای دوم و سوم با فروغی ، در مصرع چهارم به این گونه آمده است :
 "چیزی نگذاری که نمی آیی باز" طبق ضبط هدایت است که در نسخه فروغی به این طرز ضبط شده است : "تاهیج
 نمائی که نمی آیی باز"

رباعی ص ۵۸ :

افسوس که نامه جوانی طی شد (ی)	افسوس که نامه جوانی طی شد (ف)
وان تازه بهار زندگانی دی شد	وان تازه بهار زندگانی دی شد
حالی که ورا نام جوانی گفتند	آن مرغ طرب که نام او بود شباب
معلوم نشد که او کی آمد و کی شد	فریاد ندانم که کی آمد و کی شد

مترجم ، ضبط هدایت را گرفته است .
 رباعی ص/ ۶۰ :

ای دل تو به ادراک معما نرسی (ی)	ای دل تو به اسرار معما نرسی (ف)
در نکته زیرکان دانا نرسی	در نکته زیرکان دانا نرسی
اینجا به می و جام بهشتی می ساز	اینجا به می لعل بهشتی می ساز
کانجا که بهشت است رسی یا نرسی	کانجا که بهشت است رسی یا نرسی

انتخاب ، طبق ضبط هدایت است .
 رباعی ص ۶۴ :

بر چهره گل شبنم نوروز خوش است	در صحن چمن روی دل افروز خوش است (ی)
فروغی ، هدایت ، و طربخانه هر سه نسیم ضبط کرده اند . جایگاه نسیم و تفاوت آن با شبنم نیازی به شرح ندارد .	
رباعی ص ۶۵ : بر خیز و مخور غم جهان گذران	خوش باش و می به شادمانی گذران
ضبط یونسکو مطابق هدایت است . فروغی و فیتز جerald هر دو بنشین آورده اند .	
در بعضی از رباعی ها چند ضبط با هم به کار گرفته شده است مثل رباعی ص ۶۶ :	
بنگر ز صبا دامن گل چاک شدست (ی)	بنگر ز صبا دامن گل چاک شده (ف)
بلبل ز جمال گل طربناک شدست	بلبل ز جمال گل طربناک شده
در سایه گل نشین که بسیار این گل	در سایه گل نشین که بسیار این گل
از خاک برآمدست و در خاک شدست	در خاک فرو ریزد و ما خاک شده

هدایت مصرع چهارم را بدین صورت ضبط کرده است : "از خاک برآمده است و در خاک شده"
 رباعی ص ۶۹ :

چون عمر به سر رسد چه بغداد و چه بلخ (ی)	چون عمر به سر رسد چه شیرین و چه تلخ (ف)
پیمانان چو پر شود چه شیرین و چه تلخ	پیمانان چو پر شود چه بغداد و چه بلخ
خوش باش که بعد از من و تو ماه بسی	می نوش که بعد از من و تو ماه بسی
از سلخ به غره آید از غره به سلخ	از سلخ به غره آید از غره به سلخ

ضبط کل رباعی طبق ضبط هدایت است .

رباعی ص ۷۰ : خیام اگر زیاده مستی خوش باش
 مترجم "لاله رخی" هدایت را انتخاب کرده است اما ضبط فروغی "ماه رخی" است .
 رباعی ص ۷۲ :

قومی متفکرند در مذهب و دین
 قومی به گمان فتاده از روی یقین (ی)
 در ضبط فروغی اندر ره دین آمده است . ضبط مصرع اول یونسکو مطابق انتخاب فیتز جerald است و مصرع های

دوم و سوم این رباعی با مصاریع دوم و سوم فیتز جرالد تفاوت فاحش دارد. و دو تفاوت جزئی دیگر بین یونسکو و فروغی که برای جلوگیری از ملال از ذکر جزئیات آن در گذشته ایم.

رباعی ص ۷۶: این رباعی را یونسکو طبق ضبط هدایت آورده است: "گویند که دوزخی بود عاشق و مست" ولی فروغی می نویسد: "گویند مرا که دوزخی باشد مست"
رباعی ص ۸۲:

در دایره سپهر ناپیدا غور (ی)	در دایره سپهر ناپیدا غور (ف)
می نوش به خوشدلی که دور است به جور	جامی است که جمله را چشانند به دور
نوبت چو به دور تو رسد آه مکن	نوبت چو به دور تو رسد آه مکن
جامی ست که جمله را چشانند به دور	می نوش به خوشدلی که دور است به خور
ضبط یونسکو مطابق هدایت است.	

● و مواردی دیگر در رباعی های صفحه های ۲۹، ۴۳، ۵۹، ۷۸، ۸۰

انجام نیافتن کار دقیق کارشناسی روی رباعیات باعث شده که رباعیاتی که طبق تحقیق شادروان همایی در طریخانه از نظر انتساب به خیام مشکوک هستند در کتاب وارد شود مثل: "یک قطره آب بود و با دریا شد" که در منظومه مختارنامه به نام شیخ عطار هم آمده است یا "چون ابر به نوروز رخ باده بشست" که در مجموعه قرن هشتم هجری کتابخانه شورای ملی به نام مهستی است و در دیوان عراقی نیز دیده شده است. یا "نیکی و بدی که در نهاد بشر است" که جزو رباعیات افضل الدین کاشانی دیده شده است.

بی توجهی به این موارد و افزودن ۸ مورد ذکر شده، بی اعتبار کردن تلاش های برجسته ترین خیام شناسان ایرانی است، کسانی چون فروغی و غنی و بخصوص کتابی که

مترجم، آن را به عنوان مبنا معرفی کرده است. به هر حال برداشت نگارنده این است که حضور اشعار به زبان فارسی چندان اهمیتی برای تهیه کنندگان نداشته و غرض افزودن به قطر کتاب و نمایش کتابی لوکس برای انگلیسی زبانان بوده، آن هم نه در حد کتاب هایی که همگان از مشاهیر شعر و ادب خارجی (که به راستی شایسته ی اصطلاح زیور طبع است) دیده و می بینند. این کتاب علاقه مندان جدی خیام را نادیده گرفته و بررسی ترجمه اشعار توسط متخصصان نیز البته حقایق بیشتری را روشن خواهد کرد. و سرانجام سؤال این است که آیا به راستی بعد از کار های انگلیسی زبانان روی رباعیات خیام این کتاب معرف تلاش ایرانیان و ادای دین ما نسبت به این شاعر بزرگ جهانی است؟

